فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc103070173)

[عامل ششم تشدید عقاب: میان سالی و کهنسالی 2](#_Toc103070174)

[مقدمات 2](#_Toc103070175)

[نکته فرعی 3](#_Toc103070176)

[مقاطع سن بشر از منظر اسلام 4](#_Toc103070177)

[رابطه جوانی و میانسالی 6](#_Toc103070178)

[چند روایت 6](#_Toc103070179)

[دلایل مسئله 8](#_Toc103070180)

[نکته آخر 9](#_Toc103070181)

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله علی ما الحمد و له شکر علی ما انعمت و صلاة و السلام علی سیدنا و نبینّا العبد المؤید و رسول المسدد و المصطفی الامجد ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین سیما بقیة الله فی الارضین**

**ربنا علیک توکلنا و الیک أنبنا و إلیک المصیر**

# پیشگفتار

طلب علو درجات داریم برای همه درگذشتگان و بزرگان درگذشته ما شهدای عالیقدر امام الشهدا و مخصوصاً برای مرحوم آیت الله مصباح یزدی که سال‌ها سخن و درس و بحث ایشان در این حسینیه الهام بخش بوده است و آرزوی عزت و سلامت برای همه خدمت گزاران به اسلام به ویژه مقام معظم رهبری مدظله العالی.

از آن بیست عاملی که اینجا مطرح شد برخی از آن‌ها را تفصیلا بحث کردیم و بعضی را اشاره‌وار مطرح کردیم بعضی را هم هنوز طرح نکردیم به عامل ششم می‌رسیم

# عامل ششم تشدید عقاب: میان سالی و کهنسالی

یکی از عوامل موثر در اشتداد عقاب و تضاعف مسئولیت بالا رفتن سن انسان است که در روایات ما و در تعدادی از روایات این مسئله هم مطرح شده است.

بنابر این در فهرست بیش از بیست‌گانه از عواملی که مسئولیت انسان را مضاعف می‌کند و بر عقاب انسان در گناهان سایه می‌افکند و در نتیجه موجب افزایش عقاب بر گناه می‌شود بالا رفتن سن انسان است به تناسبی که سن شخص افزایش پیدا می‌کند مسئولیت‌های الهی او مسئولیت فردی و اجتماعی او مضاعف می‌شود و خواه ناخواه نتیجه این است که اگر گناهی در آن سنین اتفاق بیفتد عقاب آن بیشتر و افزایش می‌یابد

# مقدمات

در اینجا مقدماتی بیان می‌کنم و به اصل موضوع می‌پردازم.

۱- روایات متعدی که در خصال و امالی و کافی و کتب متعدد روایی ما روایات مربوط به این بحث وارد شده است که برخی را خواهیم خواند. مرحوم صاحب وسائل برای این بحث بابی را باز کردند در کتاب جهاد النفس، قبلا هم گفتم که این چهار بخش وسائل را هر انسان مسلمان و بخصوص طالبان علم و اهل علم مورد توجه و ممارست قرار بدهند مقدمات عبادات در وسائل، جهاد النفس، فعل المعروف و ابواب العشره، اینها حداقل ابوابی است که در ساختن شخصیت انسان و سیر انسان به سمت یک سلوک الهی و سبک زندگی صحیح اسلامی نقش مهمی دارد.

این باب ۹۷ از ابواب جهاد النفس وسائل الشیعه است راجع به وسائل الشیعه این را بگویم مرحوم حاجی مستدرک وسائل را نوشته‌اند و گام بزرگ بوده است که برای تکمیل روایات فقهی وسائل الشیعه، چون وسائل الشیعه در واقع یک کتاب فقهی است یعنی نوعی کتاب اجتهادی و به یک معنا نیمه اجتهادی است و عناوین ابواب هم فتاوای مرحوم حر است اما پاره‌ای در ابواب بوده است که ایشان نیاورده‌اند این تکمیل را مرحوم حاجی نوری انجام داده‌اند گرچه بعد از آن هم جای تکمیل بیشتر هست که مقداری در کتاب جامع الاحادیث مرحوم آقای بروجردی انجام شده است.

# نکته فرعی

منتهی این را توجه داشته باشید که تنظیم ابواب روایی بر اساس مسائل و ابواب و کتب فقهی یک مقوله‌ای نیست که بگوییم در نقطه‌ای متوقف شد و تمام شد ما هر چه آیه و روایت و امثال اینها در زمینه فلان موضوع داشتیم در وسائل آمد و در مستدرک تکمیل شد و یک کار دیگری هم آمد و به خط پایان رسید، این درست نیست علت این است که باب اجتهاد در اعماق آیات و روایات و منابع و مصادر دینی باب بی‌پایانی است و در هیچ نقطه‌ای نمی‌شود گفت ما به پایان رسیدیم و تمام شد و لذا می‌بینید مرحوم صاحب وسائل در فلان مسئله در صوم، خمس، حج و… بابی گشوده‌اند روایات آن را ذکر کرده‌اند ولی بعد از ایشان تا دوره ایشان که سیر فقهی آن مسئله را دنبال می‌کنیم می‌بینیم فق‌ها و لو اینکه به وسائل مراجعه کردند بعد از مرحوم حر اما هیچکدام در آن نقطه متوقف نشده‌اند گاهی رفته است مرحوم حضرت امام، آقای خویی و دیگران در یک مسئله‌ای که پنج روایت در وسائل دارد یک روایتی را از یک باب دیگری گره به این مسئله زده است.

اینکه ابواب اجتهاد گشوده است و اینکه منابع روایی ما مصادر بی‌پایانی است که دائم می‌شود در آن غواصی و غور کرد این نتیجه‌اش این است که تنظیمات روایی ما هیچ وقت نمی‌شود گفت به نهایت رسیده است. همیشه این راه را می‌شود پیمود و بر برگهای گذشته برگهای جدیدی افزود

همان طور که در یک چیز دیگر هم روایات ما توقف ندارد و کتب روایی ما ایستایی ندارد و آن در تبویب روایات و طبقه‌بندی منظومه‌های روایی است این هم هیچ وقت تمام نمی‌شود

مرحوم صاحب وسائل بر اساس آن پنجاه شصت کتاب فقهی و تنظیماتی که آن زمان مورد ابتلا بوده است یک طبقه‌بندی و یک فهرستی را تنظیم کرده‌اند و روایات را در آن فهرست وارد کرده‌اند ضمن اینکه هر بخشی و فصلی فهرستش نهایی نیست و با اجتهاد و تفکر می‌شود ادله جدیدی را با همان مسئله موجود گره زد علاوه بر این، این ابواب هم هیچ توقیفی نیست و کسی روی آن قسم نخورده است

گاهی گفته‌ام که این ابواب پنجاه شصت فقهی امروز به گمان من حداقل ده تا و شاید تا بیست کتاب و باب جدید قابل افزودن است این کار را باید فقهای ما انجام بدهند یعنی تحول جامعه و نیازها و اقتضائات جامعه استلزام این را دارد که ابواب جدیدی را باز بکنید و قلمروه‌های جدید باز بشود و طبقه‌بندی جدید و روایات بر اساس آن انتخاب می‌شود و در جای خود می‌نشیند

هم ادله یک بحث در یک مسئله در وسائل یا هر کتاب روایی دیگر نمی‌شود گفت تمام شد و منحصر به آن است و راه باز است و هم اینکه ابواب و فصول و طبقه‌بندی تمام نمی‌شود، این طبقه‌بندی جدید که در میزان الحکمه آمده است یا در آن معارف السنه که حدود ۹۰ جلد می‌شود یک مزیت‌هایی دارد نسبت به طبقه‌بندی‌هایی که در بحار است هر چند در بحار هم مزیت‌هایی هست که در اینها نیست. این معنایش این است که این طبقه‌بندی‌ها متوقف نمی‌شود و یا آن طبقه‌بندی که در کتاب الحیاة مرحوم حکیمی هست همینطور است.

کتاب جهاد النفس از کتابهای بسیار مهم اخلاقی است که در وسائل در ادامه کتاب جهاد مطرح شده است که حدود صد باب دارد این باب ۹۷ است.

این کاری که انتشارات جامعه مدرسین انجام دادند کار ارزشمندی است که انجام شده و آن این است که در چاپ‌های جدید وسائل در بالای صفحه است و هر چه روایت مرحوم حاجی در مستدرک است در ذیل همان باب آورده‌اند کار را خیلی بر محقق آسان کرده اند.

در وسائل یک نقصی که وجود دارد این است که آیات هر مسئله را نیاورده است از خوبی‌های بحار الانوار این است که هر بحثی را که آورده است ابتدا آیات را آورده است اگر کسی دقت کند می‌بیند که توجه علامه مجلسی چقدر زیاد بوده و دقت بالای ایشان در انتخاب آیات مربوط به هر فصل، در جامع الاحادیث مرحوم آقای بروجردی تا حدی این را جبران کردند ولی آن هم کامل نیست هنوز می‌شود گفت در آن ابواب بحارالانوار امتیاز ذکر آیات قبل از روایات به نام مرحوم مجلسی ضبط و ثبت است

باب ۹۷ این است

باب وجوب زیادة التحفظ عند الزیادة العمر خصوصاً ابناء الاربعین فصاعداً این بابی است که گویا فتوای مرحوم حر عاملی رضوان الله تعالی علیه هست بابی در وجوب افزودن مراقبت‌های روحی وقتی که عمر انسان افزایش پیدا می‌کند به ویژه برای کسانی که از چهل سال عبور کردند

جالب است که مرحوم حر عاملی با یک دقتی در روایات از این روایات یک مدلول عامتری را استخراج فرمودند چون در روایات چهل و پنجاه و شصت از این قبیل مقاطع تعیین شده است که می‌گوید از این مقطع عبور کردید محافظتت را بیشتر کن و ملائکه موظف هستند با دقت بیشتری اعمال را ثبت و ضبط کنند و در نتیجه گناهان فرد پس از این سنین بالاتر و میانسالی و به سمت کهنسالی عقاب مضاعف پیدا می‌کند و مرحوم حر عاملی از این یک قاعده کلی‌تر استخراج فرمودند و آن وجوب زیادة التحفظ عند زیادة العمر، انسان به همان میزانی که بر پلکان عمر بالا می‌روی و در مراحل زندگی پیش می‌روی مسئولیت تو بیشتر می‌شود و عقاب بدی‌های تو افزایش پیدا می‌کند این قاعده را از این روایات استفاده کردند.

# مقاطع سن بشر از منظر اسلام

به این مطلب اشاره بکنم که سنین عمر بشر از منظر اسلام و اخلاق و تربیت اسلامی احکام و آدابی دارد و مقطع‌بندی هم شده است

مراحل رشد به مفهومی که در روانشناسی آمده است مفصل در در علوم روانشناسی امروز بحث شده است، مراحل رشد بشر. آن کار علمی انجام شده است و غربی‌ها خیلی با نگاه خود روی این کار کرده‌اند که انسان هنگام تولد و حتی قبل از تولد که از لحاظ جسمی و فیزیکی مراحلی را طی می‌کند و در پزشکی و امور پزشکی بررسی می‌شود از لحاظ رفتاری و فردی و اجتماعی و شخصیتی هم انسان مراحلی را طی می‌کند که به این می‌گویند مراحل رشد و در این خیلی کار شده است که در روانشناسی امروز مباحث رشد تقریبا در حد یک رشته جدید رسیده است و گفته می‌شود روانشناسی رشد، یک رشته شده است در درون علوم روانشناسی.

در تعلیم و تربیت آنجا به عنوان مراحل تربیت ذکر می‌شود این هم در منظومه علوم تربیتی یک بابی است که در حد یک نیمه رشته در آمده است مراحل تربیت از منظرهایی که این متفکران روانشناسی و علوم تربیتی در غرب کار کرده‌اند

تمام اینها از منظر اسلامی قابل مطالعه است ما هیچ وقت داوریمان نسبت به دستاوردهای علمی بشر یک داوری صفر و صد نیست بلکه توصیه به برخورد فعال آگاهانه و بصیرانه است انفعال در برابر تئوری‌ها و نظریه‌های جدیدی که در حوزه علوم انسانی در غرب به وجود آمده است و سیصد چهارصد سال این قلمروهای علوم انسانی در بستر تمدن غربی رشد کرده است کار ناصوابی است اینکه دلداده باشیم و فکر کنیم کلیت آن اندیشه با همه تفاصیل و مبانی آن و در هر شکل و وضعی قابل قبول است این قطعا درست نیست برای اینکه کسی که وارد این تئوری‌ها و نظریه‌ها بشود می‌بیند مستقیم و غیر مستقیم هزاران جا اینها در تماس با معارف اسلامی در حوزه‌های کلام و فقهی و اخلاقی ما هستند این تلاقی که دارد باید تکلیف را مشخص کرد

همانطور که نفی مطلق هم برخورد عالمانه نیست، برخورد عالمانه که در گفتمان انقلاب اسلامی هم هست و امام پایه گذار آن بودند و ارجاع دادند و بزرگان ما روی این کار کردند و از دستاوردهای حوزه نوین قم و پس از انقلاب هست تعامل جدی با علوم انسانی است در این منطق و گفتمان نه انفعال محض مقبول است و هضم شدن در نظام تفکر غرب که در حوزه علوم انسانی تولید شده است که مبتنی بر فلسفه‌های خاص خودشان هست نه این مورد قبول هست که تسلیم بشویم اطراف اندیشه اسلامی را بسائیم برای اینکه با آن تطبیق پیدا بکند در مدیریت در اقتصاد در سیاست در تربیت و در مباحث اجتماعی و روانشناختی، در هیچ جا این انفعال و تسلیم مطلق مقبول نیست و این هم منطقی است نه اینکه شعار باشد دارای استدلال است.

و البته اینکه کسی بگوید اینها هیچ، برخورد صحیحی نیست باید پذیرفت و کار کرد و قم هم در این سال‌ها کار کرد و شخصیت‌هایی مثل آیت الله مصباح از پیشگامان این عرصه هستند و قبل از ایشان مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم مطهری و مرحوم شهید صدر و بزرگانی از این دست که اینها چهره‌های برجسته تعامل با نظریه‌های غرب در علوم انسانی و اجتماعی هستند.

ما هم در روانشناسی مراحل رشد داریم و هم در علوم تربیتی مراحل تربیت داریم که اینها با هم نسبتی دارند که جای خود.

اما در اسلام قطعا در اسلام هم مراحل عمر را می‌بینیم که در منطق و رویکرد اسلامی مورد توجه قرار گرفته است اسلام به این مراحل توجه دارد یک بخش از این روایات آن است که سه هفت سال گفته شده است که آن هم تفصیلات خود را دارد اما سر جمع شاید چهل پنجاه و یا حدود صد روایت داشته باشیم که با این مراحل عمر ارتباط دارد و با یک دایره وسیعتر اگر نگاه کنیم بیش از این روایات داریم آیاتی هم داریم یک وقت در حد یک ترم در یک دانشگاه کل آیات مربوط به این مراحل عمر را بحث کردم.

از یک منظر خیلی کلی اسلام کودک دارد که غیر ممیز است و بعد ممیز بعد بالغ و بعد سنین رشد بالاتری دارد و…

# رابطه جوانی و میانسالی

اما با این مقدمه این را می‌خواهم بگویم که جوانی و میانسالی و کهنسالی، اینها مراحل عمر است و خود اینها موثر است خود مقطع عمر در تکالیف فرد موثر است در ثواب و عقاب او تأثیر می‌گذارد منتهی جوانی با میانسالی یک حالت معکوسی دارد در جوانی ثواب خوبی‌ها مضاعف است، جوانی که در برابر امواج و طوفانهای غضب و شهوت مقاومت کند و در آغاز پایه ریزی شخصیت خود معماری خود معماری درست شخصیت داشته باشد و این فلز مقاوم را از خود نشان بدهد این در پیشگاه خدا خیلی ارزش دارد الآن بحث ما نیست روایات نقل شده فوق العاده جالب است خدا افتخار می‌کند به جوانی که در عنفوان جوانی با قرآن انس دارد و با عبادت محشور است در برابر گناه مقاومت می‌کند خدا به او افتخار می‌کند قریب این مضامین آمده است تعابیر بسیار بلند است در مقاطع جوانی که تا حدود سی سال استمرار پیدا می‌کند بر اساس آن تعریفی که ما داریم.

از لحاظ ثواب، در جوانی ثوابها بیشتر است آن انرژی متراکم جوانی و اغاز حرکت زندگی بودن و اینکه باید خود را معماری بکند و پایه‌های شخصیت خود را بریزد این هنر را اگر کسی در جوانی نشان بدهد خیلی اوج و قرب دارد. جوانی مثل جوانی امیرمؤمنان و جوانی مثل جوانی علی اکبر جوانی مثل آن صحابه جوان رسول خدا که در جوانی قله‌های بلند معرفت را پیمودند این ارزش غیر قابل وصفی دارد و جوانی که در عصر ما در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و مقاومت اسلامی رخ نشان داد.

رهبری معظم در جلسه اخیرشان فرمودند اینها چیزهایی است که ما در تاریخ می‌خواندیم و قبل از انقلاب روایات و تاریخ را می‌خواندیم جوان‌های رشید، مقاوم و شجاع و مجاهد از دل تاریخ بیرون می‌آوردیم به عنوان الگو به نسل جوان عرضه می‌کردیم بعد وقتی انقلاب شد تمام این الگوها در صحنه عمل جلوه‌گر شد این از دستاوردهای بزرگ انقلاب است که فوق همه دستاوردهاست امام هم روی آن تأکید داشتند

این جوانی با تعریفی که دارد یک مقطعی از عمر است که ثوابها را بالا می‌برد ولی در عقاب از این طرف است این روایات می‌گوید هر چه عمر انسان با تجربه بیشتر بشود طوفان غرائض افول بکند و کم بشود گناه انسان در سنین بالاتر مورد مواخذه بیشتر است این یک قاعده معکوسی است که در جوانی و میانسالی داریم.

# چند روایت

این روایات در باب ۹۷ از ابواب جهاد النفس وسائل الشیعه آمده است و برخی را می‌خوانم.

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند سندی هم دارد قابل تصحیح است ابوبصیر نقل می‌کند که امام صادق فرمودند ﴿**إِنَّ الْعَبْدَ لَفِي فُسْحَةٍ مِنْ أَمْرِهِ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً**[[1]](#footnote-1)﴾ انسان تا ۴۰ سالگی یک گشایشی در تعامل خدا با او وجود دارد ﴿**فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مَلَكَيْهِ** ﴾ خدا به دو ملک او وحی می‌کند وقتی که به چهل سال رسید دوره‌ای را پشت سر گذاشت خدا اینجور به دو ملک خود می‌گوید ﴿ **قَدْ عَمَّرْتُ عَبْدِي هَذَا عُمُراً فَغَلِّظَا وَ شَدِّدَا وَ تَحَفَظَّا وَ اكْتُبَا عَلَيْهِ قَلِيلَ عَمَلِهِ وَ كَثِيرَهُ وَ صَغِيرَهُ وَ كَبِيرَه**‏ ﴾ حالا که اینجا رسید شما سخت بگیرید و مراقبت بیشتر بکنید و تمام رفتارهای او را کوچک و بزرگ و صغیر و کبیر آن را ثبت و ضبط کنید یعنی از این به بعد گناهان او مورد مواخذه بیشتر خواهد شد این روایت در کافی آمده است در مجالس مرحوم صدوق و خصال صدوق نقل شده است و سند قابل تصحیح است یعنی در سه تا از منابع اصلی ما این روایت آمده است.

۲- مرفوعه‌ای است که محمد بن خالد به شکل مرفوعه از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند فرمودند ﴿**إِذَا أَتَتْ عَلَى الرَّجُلِ أَرْبَعُونَ سَنَةً قِيلَ لَهُ خُذْ حِذْرَكَ فَإِنَّكَ غَيْرُ مَعْذُور**[[2]](#footnote-2)﴾ چهل که رسید خدا به او ندا می‌کند که احتیاط را آغاز کن، یک تمرین جدیدی را شروع کن، احتیاط تازه‌ای را شروع کن، تو دیگر معذور نیستی، البته بلافاصله برای اینکه آن بد آموزی را بردارد خیلی ظریف امام می‌فرماید ﴿**وَ لَيْسَ ابْنُ الْأَرْبَعِينَ أَحَقَّ بِالْحِذْرِ مِنِ ابْنِ الْعِشْرِينَ**﴾ البته آن‌ها که پایین چهل سال هستند فکر نکنند که نباید هوشمندانه عمل کنند و احتیاط کنند و مراقبت خود را به رعایت تعالیم و تکالیف توجه کنند این دستور عام است از تکلیف و قبل از تکلیف این احتیاط مستحسن است دائم انسان باید به خودسازی و خویشتن‌سازی اشتغال داشته باشد اما بالای چهل سال این حظر را باید افزایش بدهد. ﴿**فَإِنَّ الَّذِي يَطْلُبُهُمَا وَاحِد وَ لَيْسَ بِرَاقِد**﴾ انکه طلب این مراقبت می‌کند یکی است و خداست و خواب در او راه ندارد.

۳- روایتی دیگر که از امیرالمؤمنین در نهج البلاغه آمده است که حضرت فرمودند ﴿**الْعُمُرُ الَّذِي أَعْذَرَ اللَّهُ فِيهِ إِلَى ابْنِ آدَمَ سِتُّونَ سَنَة**[[3]](#footnote-3)﴾ این درجه دیگری می‌گوید آنجا که خدا عذر بیشتری را می‌پذیرد تا شصت سال است بعد از شصت سال عذری پذیرفته نیست.

۴- در روایت دیگری دارد راجع به هجده سال آمده است و یک جای دیگر پنجاه سال آمده است در روایت هفتم این باب دارد که امام صادق علیه السلام فرمودند ﴿**إِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ إِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ مُنْتَهَاهُ فَإِذَا طَعَنَ فِي وَاحِدٍ وَ أَرْبَعِينَ فَهُوَ فِي النُّقْصَانِ وَ يَنْبَغِي لِصَاحِبِ الْخَمْسِينَ**[[4]](#footnote-4)﴾ کسی که به پنجاه سال رسید حس کند که باید به لقاء خدا بپیوندد.

مرحوم صاحب وسائل استنباط کرده است برای این روایات و تعداد دیگر از روایات که سنین دیگر را ذکر کرده است و می‌فرماید عذر تو کمتر می‌شود و مراقبت‌های تو باید افزوده بشود و گناهان بر تو سخت‌تر و جدی‌تر نوشته می‌شود اینها را که کنار هم گذاشته یک جمع‌بندی فقیهانه و محدثانه دارد و آن این است که باب وجوب زیادة التحفظ عند زیادة العمر در جوانی ثواب کارها بیشتر است به خاطر ارزشی که در جوانی است ولی همین که به سمت سی و چهل و پنجاه و شصت می‌آید همینجور تاکیدات بیشتر می‌شود

# دلایل مسئله

دلایل روشن است و چند نکته در فلسفه تاکیداتی که ناظر به سن بالاتر است و تأکید می‌کند مسئولیت بیشتر است و عقاب هم افزایش پیدا می‌کند.

مرحوم مجلسی در مراة العقول یکی دو نکته از اینها را آورده‌اند در شرح این روایات.

۱- بعد از عبور از سنین جوانی چرا مسئولیت افزایش پیدا می‌کند نخستین علت این است که پرهیز از گناهان در آن سنین آسان‌تر است این کلی نیست یک چیزهایی در سنین بالاتر مخصوصاً برای طبقات خاص افزایش پیدا می‌کند انگیزه گناه، مخصوصاً در کسانی که در معرض مسئولیت و کار هستند اما سر جمع این است که برای طبقات عموم جامعه سن که بالاتر می‌رود فوران شهوت و غضب کم می‌شود آنجا ممکن است جوان بگوید من نمی‌توانستم مقاومت بکنم ولی در سنین بالا هجمه جنود شیطان در بخش‌هایی خیلی کم می‌شود و لذا کسی علی رغم اینکه سختی بالا ندارد باز گناه و عیاشی و فساد می‌کند حتماً مواخذه بیشتر خواهد شد. برای اینکه تقوای در آن سنین در بخش زیادی از معاصی آسان‌تر است کسی که راحت می‌تواند ترک معصیت بکند باز معصیت می‌کند این مواخذه بیشتری لازم است.

۲- اینکه در جوانی تجربه و عقل و ورزیدگی کمتری وجود دارد و هر چه سن بالاتر می‌رود از تجربه و آگاهی و بصیرت و معلومات بیشتری برخوردار می‌شود و در نتیجه آن نکته دیروز اینجا جاری می‌شود کسی که علم بیشتر و تجربه بیشتر دارد و فهم بیشتر دارد اگر گناه بکند بیشتر یقه‌اش را می‌گیرند

۳- اینکه انسان هر چه به سمت بالاتر می‌رود فاصله او از عالم قدس و غیب کمتر می‌شود و مقوله عاقبت به خیری آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و لذا چون فاصله از آن عالم کمتر می‌شود مسئولیت بیشتر است برای اینکه یک پرونده طولانی ممکن است از عبادت داشته باشد آن سالهای اخر در ورطه هلاکت بیفتد این خیلی خطرناک است.

بحث حسن عاقبت یک داستان مفصلی است که بعضی راجع به آن در مجموعه اخبار و روایات کتاب نوشته اند.

۴- اینکه هر چه سن شخص بالا برود فرزند و نوه پیدا می‌کند و جایگاه پیدا می‌کند و دیگران به او نگاه می‌کنند و نقش و کنش اجتماعی بیشتری پیدا می‌کند و أثرگذاری او بیشتر می‌شود.

این فلسفه‌های پنهان این حکم الهی است چرا امام صادق و امام باقر و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین طبق این نقل‌ها در روایات یک خطی را ترسیم کرده‌اند از یک طرف می‌گویند در جوانی ثواب‌های شما بالاست و مقامات جوانان پاک و منزه از خطاط قابل وصف نیست عبادات آن‌ها ارزش بیشتری دارد برای اینکه جوان با خیلی از امواج مقاومت می‌کند آغاز زندگی‌اش هست این ارزش عبادات و اعمال نیک او خیلی بالاست

از آن طرف ائمه می‌فرمایند هر چه در مدارج عمر پیش می‌روید مسئولیت شما و سنگینی بار شما افزایش پیدا می‌کند بنابراین اگر دست از پا خطا کنید عقاب شما مضاعف است ملکین شما مامورند از سوی خدا که عفو را در اینجا کمتر انجام بدهند و در مراقبت تشدید بکنند و شما هم باید مراقبت خود را افزایش بدهید.

این هم یک عاملی است که مراحل عمر در نظام اخلاقی و تربیتی اسلام بسیار مهم است اما در بحث ما مراحل بالای عمر موثر در افزایش عقاب و مسئولیت است

# نکته آخر

در عین اینکه خدا می‌فرماید مسئولیت شما زیاد شد عقاب انسانی که سن بیشتر و تجربه بیشتری دارد برد و کنشگری بیشتری دارد در گناهان افزایش پیدا می‌کند در عین حال می‌گوید فردی که سن بالا دارد و مومن و متدین است می‌فرماید ﴿**وَقِّرُوا کِبَارَکُم**[[5]](#footnote-5)﴾ بحث‌هایی که در خطبه‌های نماز جمعه پیگیری می‌کنیم این است که آنجا فرموده است توقیر و احترام تعظیم و اکرام میان مسلمانان یک قانون است اما بیست جا این توقیر و احترام تأکید شده است یکی از آن بیست جا که تأکید اسلام برای اینکه احترام بگذارید بزرگترها هستند و افرادی که سن بالاتری رسیده‌اند به سن چهل پنجاه شصت رسیده‌اند می‌فرماید احترام بیشتر بگذارید و دیگران را می‌گوید حرمت را نگه دار، تکریم بکن وقتی پدر و مادر باشند فوق این حرفهاست ولی برای خود طرف می‌گوید هوشیار و بیدار باشد سروش مرگ نواخته می‌شود و آرام آرام به پایان این مسابقه در زندگی نزدیکتر می‌شوید

به زودی باید به لقاء خدا باید بروید پرونده خود را پاک کن.

1. - وسائل الشیعه، ج 16، ص 100 [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشیعه، ج 16، ص 101 [↑](#footnote-ref-2)
3. - نهج البلاغه صبحی صالح، ص 532 [↑](#footnote-ref-3)
4. - وسائل الشیعه، ج 16، ص 102 [↑](#footnote-ref-4)
5. - امالی صدوق، ص ۹۴ [↑](#footnote-ref-5)